



گروه‌هایی برای مطالعات مسائل شرق، تاریخ تمدن و زبان‌های شرقی ایجاد کرد و با این نوع مطالعات و بررسی‌ها در ترسیم سیاست استعماری آلمان همکاری کرد.

تلاش‌های علمی بکر تحت تأثیر فعالیت‌های استعماری او بود؛ از این رو برای مسائل سیاسی و اقتصادی اسلام معاصر اهمیت فراوانی قائل بود و کتاب‌هایی در این زمینه تألیف کرد. وی انتشار مجله‌ی اسلام، یکی از نشریات استشرافی مهم تا امروز، را آغاز کرد. با شروع جنگ جهانی اول به مسائل سیاسی روی آورد. آثار علمی وی در دوره‌ای که به سیاست مشغول بوده اندک است و بیشتر به مسائل سیاسی مورد توجه حکومت آلمان اختصاص دارد. بکر بین سال‌های ۱۹۱۶ تا ۱۹۳۰ به چین سفر کرد و در راه بازگشت، از کشورهای ایران، عراق و اندونزی دیدن کرد.

مقالات و بحث‌ها و تحقیقات بکر به بیش از ۲۳۰ عنوان می‌رسد. وی همچنین در تألیف ۶۰ مقاله‌ی دایرة‌المعارف اسلام همکاری داشته است. دیگر تحقیقات او در دو جلد بزرگ با عنوان مطالعات اسلامی

۱۸۹۹ رساله‌ی دکتری خود را با عنوان «نسخه‌ی خطی مناقب عمر بن عبدالعزیز نوشته‌ی ابن جوزی» به پایان برساند.

بکر پس از دوران دانشجویی سفر به شرق و کسب آگاهی از این مناطق را آغاز کرد؛ سفرهایی که تأثیر زیادی بر شناخت او از اسلام و شرق داشت. وی در نخستین سفر خود ابتدا به پاریس و از آنجا به اسپانیا رفت، سپس اسپانیا را به مقصد قاهره ترک کرد و مدتی نیز به سودان رفت. او در این مدت با زندگی عربی به شدت انس گرفت و زبان عربی را آموخت. در سفر دوم به مصر با متفکر مصری، محمد عبده، آشنا شد.

بکر از دانش بسیار و گستردگی اطلاعات برخوردار بود و آثار مستشرقان بزرگ را نیز بررسی می‌کرد. او بسیار تحت تأثیر دولت عربی و سقوط آن، نوشته‌ی ولهاوزن، قرار گرفت. بیشترین تأثیر در مطالعات دینی را نیز گلدزیهر و اسنوک هرگرونیه بر وی گذاشتند.

بکر در سال ۱۹۰۸ در ایجاد انجمنی در شهر هامبورگ برای ساماندهی به برنامه‌های مستعمرات آلمان مشارکت کرد و پس از مدتی به ریاست این انجمن رسید. در طول فعالیت در این انجمن،

اسلامی از عوامل خارجی تشکیل شده است و فلاسفه‌ی مسلمان فقط مترجم و شارح فلسفه‌ی یونانی هستند.

هرگرونیه در مطالعات اسلامی خود بیشتر بر سیره‌ی نبوی، فتوحات اسلامی و شریعت اسلام تمرکز داشته و به تصوف، عقیده و فرهنگ اسلامی کمتر توجه کرده است. مذاهب اسلامی، فرقه‌های کلامی، شعائر دینی و جریان‌های نو فکری نیز در حیطه‌ی فعالیت‌های او به چشم نمی‌آیند. سیاستمدار و مورخ بودن هم‌زمان توجه او را به سوی نیروی سیاسی اسلام کشاند. روش وی در مطالعات اسلامی، علاوه بر بهره‌گیری از اسناد و متون، استفاده از مشاهدات عینی بود و تلاش می‌کرد در نظرات خود از واقعیت دور نشود، اما ثمره‌ی مطالعاتش با ارزش حقیقی دین اسلام سازگاری نداشت.

+

### ۳. کارل بکر

کارل هاینریش بکر (Carl Heinrich Becker، ۱۸۷۶-۱۹۳۳) در تحصیلات خود علاوه بر الاهیات به مطالعات انتقادی عهد قدیم مشغول شد که او را به مطالعات ادیان و استشرق رساند. بکر موفق شد در

**روش بکر در مطالعات اسلامی جدا سازی دو مفهوم «تاریخ ادیان» برای بررسی دین اسلام و آموزه‌های آن و «تاریخ تمدن» برای تحقیق درباره‌ی تمدن اسلامی و تحولاتش بود.**